



10.30495/QSF.2023.1947855.2754

Research Article

Applying Exchange Techniques in Bahaoddin Khorramshahi's Translation of Holy Quran Based on Garces Model (Case Study from Juz 15 to Juz 20)

Ali Osat Khanjani

Abstract

Translation of Holy Quran to Persian is an excellent endeavor in the realm of Quranic studies that has been considered in recent decades by researchers and critics. This progress that essentially has been based on personal preferences, by entry of translation studies to the realm of Quranic translation and acquaintance of translation scholars with schools and theories of translation has advanced to systematic structure. Model of Garces' assessment of translation is one of the helpful and efficient theories in the critique of Holy Quran translations.

This article by the title 'application of changing technique in Bahaoddin Khorramshahi's translation of Holy Quran upon Garces model' (case study from Juz 15 to Juz 20) is a theoretical research that by descriptive-analytic method based on exchange technique in Garces' model, examines Bahaoddin Khorramshahi's translation of Holy Quran. Data of the study shows that considering Khorramshahi's approach in translation, all forms of exchange technique mentioned in this study especially grammar-transposition by positive value and altering inner structure of source language by negative value have been applied in his translation.

Keywords: The Quran, translation, Garces model, Exchange technique, Khorramshahi

How to Cite: Osat Khanjani A., Applying Exchange Techniques in Bahaoddin Khorramshahi's Translation of Holy Quran Based on Garces Model (Case Study from Juz 15 to Juz 20), Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(54):209-224.

Assistant Professor and faculty member of Islamic Azad University of Chaloos, Chaloos, Iran

Correspondence Author: Ali Osat Khanjani

Email: khanjani@iauc.ac.ir

Receive Date: 21.12.2021

Accept Date: 10.09.2023



کاربست تکنیک تغییر در ترجمه‌ی قرآن کریم اثر بهاء‌الدین خرمشاهی براساس مدل گارسس (بررسی موردی از جزء ۱۵ تا ۲۰)

علی اوسط خانجانی

چکیده

ترجمه‌ی قرآن کریم به زبان فارسی یکی از کوشش‌های فاخر در قلمرو قرآن‌پژوهی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه ترجمه‌پژوهان و منتقدان قرار گرفته است. این جریان که در آغاز برپایه‌ی ذوق شخصی شکل گرفت، چندی است با راهیابی مطالعات ترجمه به حیطه‌ی ترجمه‌ی قرآن کریم و آشنایی ترجمه‌پژوهان با مکاتب و نظریه‌های ترجمه، روبه‌روشمندی نهاده است. الگوی ارزیابی «گارسس» یکی از نظریه‌های ارزیابی ترجمه است که در نقد ترجمه‌های قرآن کریم کارایی قابل توجهی دارد. مقاله پیش‌رو با عنوان «کاربست تکنیک تغییر در ترجمه‌ی قرآن کریم، اثر بهاء‌الدین خرمشاهی، براساس مدل گارسس (بررسی موردی از جزء ۱۵ تا ۲۰)»، پژوهشی نظری است که به روش توصیفی-تحلیلی، ترجمه‌ی قرآن کریم، اثر بهاء‌الدین خرمشاهی را برپایه‌ی تکنیک تغییر در الگوی «گارسس» مورد بررسی قرار داده است. داده‌های پژوهش حکایت از آن دارد که با توجه به رویکرد خرمشاهی در ترجمه، همه‌ی اقسام تکنیک تغییر مورد اشاره در این پژوهش به ویژه تغییر نحو (دستور گردانی) با ارزش مثبت و تغییر ساختار درونی متن مبدأ با ارزش منفی در ترجمه‌ی وی به کار رفته است.

واژگان کلیدی: قرآن، ترجمه، الگوی گارسس، تکنیک تغییر، خرمشاهی

استادیار و عضو هیات علمی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران

ایمیل: khanjani@iauc.ac.ir

نویسنده مسئول: علی اوسط خانجانی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۳۰

مقدمه و بیان مسئله

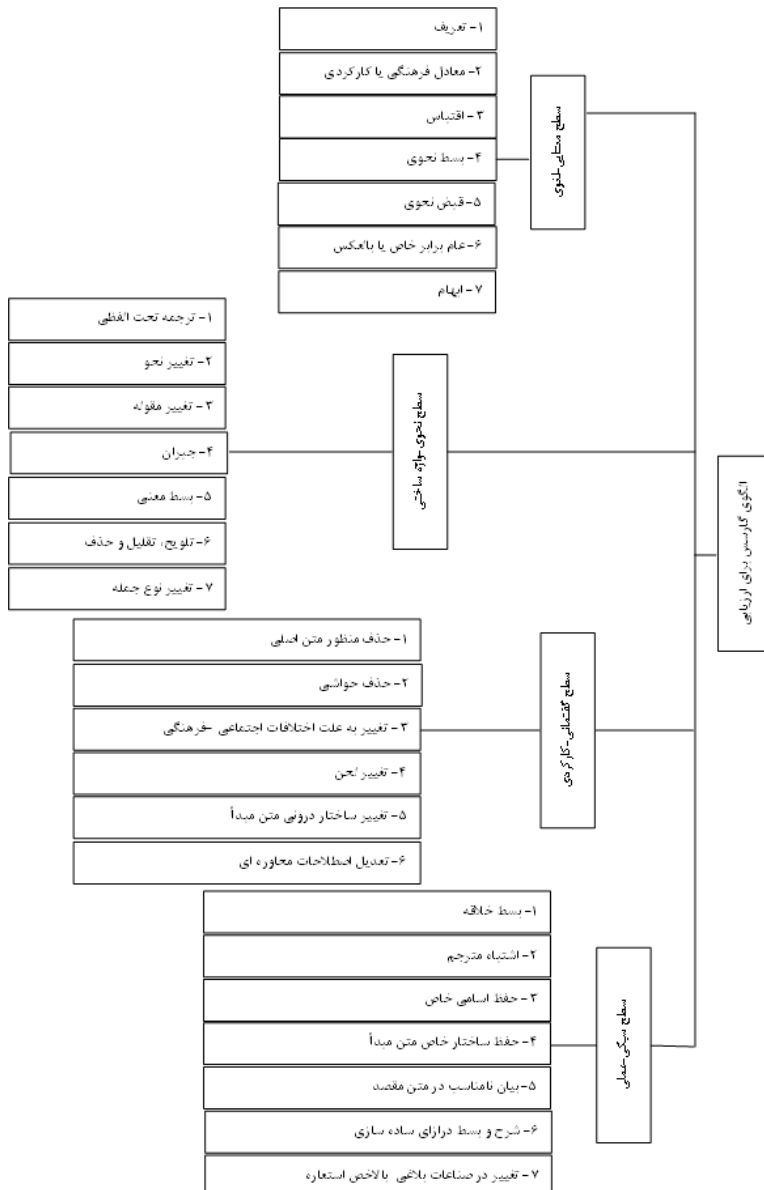
ترجمه، مقوله‌ای کهن، فراگیر و تکامل‌پذیر در زندگی انسان است خاستگاه این امر نیز گوناگونی زبان آدمی می‌باشد و از آنجاکه زندگی انسان به ویژه در سده‌های نزدیک ساحت‌های جدیدی یافته، ترجمه نیز به ضرورت در همه‌ی آن ساحت‌ها راه یافته، در قالب مکاتب گوناگون جلوه نموده است. یکی از ساحت‌های کارکرد ترجمه، متون دینی از جمله قرآن کریم است که حساسیت‌ها و چالش‌های ویژه‌ای دارد. ترجمه‌ی قرآن کریم به دیگر زبانها به ویژه زبان فارسی یکی از کوشش‌های علمی دیرپا و دامن گستر است که پیوسته به دلیل ناآشنایی بیشتر مخاطبان قرآن با زبان این کتاب آسمانی، بر ضرورت آن افزوده می‌شود براین پایه در دهه‌های کنونی بیشترین ترجمه‌ی فارسی از قرآن کریم به جامعه‌ی هدف قرآن یعنی مسلمانان فارسی زبان عرضه شده است.

این کوشش بزرگ علمی از یک سو شایسته‌ی ارج نهادن و تقدیر و از دیگر سو بایسته‌ی ارزیابی و سنجش است تا از رهگذر نقد و جرح و تعدیل دستاوردهای متنوع، کاستی‌ها و عیوب موجود در قلمرو ترجمه‌ی قرآن کریم رو به کاهش نهاده، کیفیت ترجمه‌ی این کتاب مقدس ارتقاء یابد. شایان گفتن است نقد و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم در گذشته برپایه‌ی ذوق شخصی و اغلب غیر روشمند بوده، قلم منتقد در چرخه‌ی درست و یا درست قلمداد نمودن ترجمه به گردش در می‌آمد لیکن در دهه‌ی کنونی با راهیابی مطالعات ترجمه به حیطةی ترجمه‌ی قرآن کریم و آشنایی ترجمه پژوهان با مکاتب و نظریه‌های ترجمه، فضای نقد ترجمه‌های قرآن کریم نیز رو به تحول و تطور و روشمندی نهاده است.

یکی از نظریه‌های مورد اقبال ترجمه پژوهان در سال‌های اخیر، نظریه‌ی خانم «کارمن گارسس» است که نوع تکامل یافته‌ی نظریه‌های پیشین ترجمه از جمله نظریه‌ی ژان پل وینی، ژان داربلنه، نیومارک، نایدا و دیگران می‌باشد. وی استاد ارتباطات بین فرهنگی، نظریه‌پرداز و مترجم اسپانیایی، عضو هیات علمی و استاد ممتاز دانشگاه آلکالا است. گارسس با تاکید بر جنبه‌های مختلف موثر در ترجمه مانند: بافت، تاریخ، فردیت مترجم، فرهنگ و پیشینه‌ی اجتماعی او و نیز خواننده، روشی برای ارزیابی ترجمه‌های ادبی پیشنهاد می‌دهد این روش مبتنی بر سطوح مختلف زبان‌شناسی است. به عقیده‌ی وی بیشتر مترجمان تلاش می‌کنند متنی معادل تولید کنند؛ اما همه آن‌ها متن مقصد و خواننده را در نظر نمی‌گیرند. گارسس همچنین براین اصل تاکید دارد که باید رویکرد منتقد بارویکرد مترجم اتحاد داشته باشد و براین اساس برای بررسی تشابه میان متن مبدأ و مقصد در ترجمه‌های مقصدگرا چهار سطح متداخل در نظر گرفته است سطوح پیشنهادی گارسس همراه با تکنیک‌های هر سطح در نمودار زیر آمده است. پژوهش پیشارو ترجمه‌ی قرآن کریم اثر بهاء‌الدین خرمشاهی را که یکی از دستاوردهای ترجمه قرآن کریم در دهه‌های کنونی است، به صورت موردی

برپایه‌ی نظریه‌ی یاد شده، با تاکید بر تکنیک تغییر به روش توصیفی- تحلیلی مورد بررسی قرار می‌دهد و درصدد پاسخگویی به پرسش زیر است:

«تکنیک تغییر (برپایه‌ی نظریه‌ی گارسس) در ترجمه‌ی خرمشاهی تا چه اندازه کار کرد دارد.»



پیشینه پژوهش

در زمینه‌ی ارزیابی و نقد ترجمه‌های قرآن کریم برپایه‌ی نظریه خانم گارسس در سال‌های اخیر مقالات قابل توجهی به چاپ رسیده است؛ لیکن بیشتر مقالات، همه تکنیک‌های دو سطح «معنایی- لغوی» و «نحوی- واژه ساختی» را مورد کاوش قرار داده است. لذا تنوع تکنیک‌های موجود در دو سطح یاد شده و نیز گنجایش مقاله و حجم استاندارد آن سبب محدودیت سهم هر یک از شگردها در پژوهش‌های موجود گشته است به عنوان نمونه می‌توان از مقالات زیر یاد نمود:

۱- رحیمی خویگانی، ترجمه‌ی موسوی گرمارودی را براساس الگوی گارسس مورد نقد واژگانی قرار داده و در سال ۱۳۹۶ در مجله دو فصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث به چاپ رسیده است در این مقاله بحثی از تغییر به میان نیامده است.

۲- «تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم اثر فولادوند و الهی‌قمشه‌ای براساس الگوی گارسس» کار مشترک دکتر محمدعلی آذرشب، معصومه ملکی و لیلا اسدالهی است که در سال ۱۳۹۸ در مجله‌ی «مطالعات ترجمه‌ی قرآن» به چاپ رسیده و تکنیک تغییر در آن مغفول مانده است.

۳- مسعود اقبالی و ابراهیم نامداری ترجمه‌های الهی قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه‌ی یوسف را به صورت مقایسه‌ای برپایه نظریه‌ی گارسس در سطح صرفی- نحوی مورد بررسی قرار دادند که در سال ۱۳۹۷ در مجله پژوهش‌های زبان شناختی قرآن کریم به چاپ رسیده است. در این مقاله نیز روش تغییر سهم ناچیزی داشته است.

۴- «تغییر بیان در سطح دستوری و واژگانی براساس مدل کارمن گارسس (مطالعه موردی: ترجمه- های حدادی عادل، معزی و انصاریان از جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن» مقاله‌ی دیگری است به قلم عسگر بابازاده اقدم، بیژن کرمی میرعزیزی، ابراهیم نامداری و فاطمه مهدی‌پور که در مجله‌ی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده و به مواردی از تغییر اشاره داشته است.

۵- محمدحسن امرائی ترجمه‌ی یزدی از قرآن کریم (سوره بقره) را طی مقاله‌ی مفصلی براساس همه‌ی سطوح نظریه‌ی گارسس مورد بررسی و ارزیابی قرار داده و به مواردی از تکنیک تغییر در ترجمه‌ی یاد شده پرداخته است. مقاله وی در مجله‌ی مطالعات ترجمه‌ی قرآن و حدیث سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است.

۶- «بررسی میزان کارآمدی سطح نحوی- واژه ساختی الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه‌ی قرآن (مطالعه موردی: ترجمه مکارم شیرازی از پنج سوره قرآن) مقاله دیگری است به قلم شهریار نیازی و انسیه سادات هاشمی که در مجله‌ی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. در این مقاله تکنیک تغییر مورد توجه بیشتر با توجه به مصادیق قرآنی قرار گرفته است.

پژوهش پیش‌ارو در عین اعتراف به فضل تقدم پژوهش‌های برشمرده و الگوگیری از آن‌ها با تمرکز بر تکنیک تغییر و اقسام آن، داده‌های بیشتری را به کاوش نهاده و مصادیق گوناگون تغییر را مورد بررسی قرار می‌دهد.

ضرورت پژوهش

ارزیابی روشمند ترجمه‌های قرآن کریم تجربه‌ای نوپا است و تارسیدن به جایگاهی که بتوان از مجموعه‌ی کوشش‌ها به نتایجی ارزشمند در تولید نظریه‌ای کارآمد و بومی مختص ترجمه‌ی قرآن کریم دست یافت، راه دراز و دشواری در پیش دارد. هر یک از کوشش‌های علمی در قالب مقاله و کتاب، گامی مؤثر در این راستا است و با توجه به اینکه «تغییر» امری اجتناب‌ناپذیر در مقوله‌ی ترجمه می‌باشد و نظریه‌ی گارسس تأکید ویژه‌ای بر آن دارد، ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم از جمله ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی بر پایه این تکنیک امری مفید و ضروری است.

تکنیک تغییر و اقسام آن در نظریه‌ی گارسس

اصطلاح تغییر را اولین بار «کتفورد» (۱۹۶۵) در چارچوب نظریه‌ی زبان‌شناختی ترجمه به کار برده است. از نظر وی تغییر آن هنگام صورت می‌گیرد که کلمه یا ساختار متن مبدأ نظیری در زبان مقصد نداشته باشد و مترجم ناگزیر به تغییر گردد (خرزاعی فر، ۱۳۸۸: ۴۴) به عبارت دیگر باتوجه به اینکه هر زبان، قوانین و مختصات ویژه‌ی خود را دارد و با نظر به اینکه مترجم پس از ادراک متن مبدأ و انتقال ذهنی آن، در مرحله‌ی بازآفرینی و نگارش متن ناگزیر باید از قوانین زبان مقصد پیروی نماید، در مواردی که زبان مبدأ و مقصد بر یکدیگر انطباق ندارند، تغییر اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. به تعبیر کتفورد تغییر، فاصله گرفتن از تطابق صوری در فرایند حرکت از زبان مبدأ به سوی زبان مقصد است (موندی، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

یوجین نایدا (۲۰۱۱) زبان‌شناس و نظریه‌پرداز برجسته آمریکایی، به اصل تغییر در امر ترجمه سخت پایبند بوده و تأکید می‌نمود که مترجم باید نهایت سعی خود را به کارگیرد تا خواننده، پیام متن مبدأ را دریابد (صلح‌جو، ۱۳۸۵، ۵۸) شایان گفتن است مقصود نایدا حذف پیام مؤلف نیست بلکه منظور وی «تجدید ساختار» متن است، زیرا وی بر این باور بود که ترجمه باید به گونه‌ای باشد که بر خواننده‌ی ترجمه همان تأثیر را بگذارد که متن اصلی بر خواننده‌ی آن نهاده است (سعیدیان، ۱۳۸۷: ۱۵).

شگرد تغییر در نظریه‌ی گارسس جایگاه ممتازی دارد این تکنیک در نظریه‌ی وی ۷ گونه می‌باشد که امکان کاربرد پنج گونه از آن در ترجمه‌ی قرآن کریم وجود دارد.

- ۱- تغییر نحو یا دستورگردانی
 - ۲- تغییر مقوله یا دیدگاه یا دگربینی
 - ۳- تغییر جمله
 - ۴- تغییر ساختار درونی متن مبدأ
 - ۵- تغییر در کاربرد صنایع بلاغی (نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب، ۱۳۹۷: ۱۲۹)
- اینک با تبیین نظری هر یک از اقسام تغییر، مصادیق آن در ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی از قرآن کریم (جزء‌های ۱۵ تا ۲۰) به کاوش نهاده می‌شود.

تغییر نحو (دستورگردانی) و مصادیق آن

تغییر نحو ایجاد تغییرات ساختاری بدون تغییر مفهوم عبارت است. به بیان دیگر تغییر نحو به معنای تغییر یک جزء سخن با جزء دیگر سخن بدون تغییر مفهوم آن است (صیادانی، همکاران، ۱۳۹۶: ۱۶). «وینی وداربلنه» نیز معتقدند، جابه‌جایی، متداول‌ترین تغییر ساختاری است که توسط مترجمان صورت می‌گیرد (فرحزاد، ۱۳۹۴: ۱۹۲) از دیدگاه گارسس تغییر نحو، تکنیکی مثبت و افزایشی است (گارسس، ۱۹۹۴: ۸۹). لازم به ذکر است ترجمه از طریق تغییر نحو یا دستورگردانی هنگامی انجام می‌شود که **اولاً**: ساختار دستوری مشابه در زبان مقصد وجود نداشته باشد. **ثانیاً**: ترجمه تحت‌اللفظی، ممکن ولی غیرطبیعی باشد. **ثالثاً**: خلاء واژگانی موجود با ساخت نحوی جبران‌پذیر باشد (نیومارک، ۱۹۸۸: ۸۸-۸۵).

بنابراین در مواردی که دو زبان مبدأ و مقصد از دو خانواده زبانی متفاوتند، همانند دو زبان فارسی و عربی تغییر نحو به‌ویژه در ترجمه‌های مقصدگرا همانند نظریه خانم گارسس امری اجتناب‌ناپذیر و مفید است.

«طه ندا» نیز در ادبیات تطبیقی تغییر نحو و دستورگردانی را در ترجمه‌ی عربی به فارسی که از دو خانواده زبانی متفاوتند، ناگزیر می‌داند (ندا، ۱۳۸۳: ۴۲).

سخن «محمودالعزب» نیز در این باره شایان توجه است. وی می‌نویسد: «یکی از مشکلات ترجمه‌ی قرآن به این زبان‌ها به ساختار زبان عربی از نظر تقدیم و تأخیر، حذف و ایجاز و ویژگی‌ها و دلالت‌های جملات اسمیه و فعلیه برپایه مقتضای حال مربوط می‌شود این دو نوع جمله تفاوت‌های بسیاری باهم دارند که قابل انتقال به زبان‌های هند و اروپایی نیست؛ زیرا در این زبان‌ها جمله فعلیه وجود ندارد.» (العزب، ۲۰۰۶: ۴۷).

البته باتوجه به اینکه در ترجمه‌ی قرآن کریم اصل و الویت با حفظ زبان قرآن است نه حفظ نحو عربی، تکنیک تغییر نحو در ترجمه‌ی قرآن نیز کارکردی مثبت دارد. در این باره می‌توان به

دیدگاه «تمام حسان» استناد نمود. وی می‌گوید: «زبان عربی بسیار گسترده‌تر از نحو عربی است. نحو قواعدی است که برای سازماندهی استعمال‌های شایع زبان تنظیم شده و بخشی از زبان به دلیل عدم شیوع در قواعد نحو جای نگرفته است، این بخش از زبان براساس قاعده‌ی اصولی نحویان، هیچ منافاتی با فصاحت ندارد زیرا قرآن به «لسان عربی مبین» نازل شده است نه به «نحو عربی مبین». (حسان، ۱۹۹۳: ۲۸۳) بنابراین باتوجه به مطالب پیش گفته می‌توان گفت در جایی که تغییر نحو با رعایت مقتضای حال «سخن پروردگار و کار ویژه‌های کلامی، اعتقادی و بلاغی» آن به انتقال معنی و حفظ بافتار کمک کند، کارکردی مثبت دارد.

«شهریار نیازی» به‌صورت مشروط، کارآمدی این تکنیک را در ترجمه قرآن کریم می‌پذیرد. وی در این باره می‌گوید: «برای تشخیص مثبت یا منفی بودن این مؤلفه، باید علت تغییر را بررسی کرد. در صورتی که تغییر نحو به دلیل تفاوت‌های ساختاری دو زبان صورت بگیرد، مثبت و در صورتی که باعث تغییر دلالت‌های بلاغی آیه شود، منفی است (نیازی و هاشمی، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

شایان گفتن است بیش از بیست نوع تغییر نحو (دستورگردانی) در ترجمه‌های قرآن کریم که توسط ترجمه‌پژوهان مورد بررسی قرار گرفت، مشاهده شده است. برخی از آن انواع در ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی از جزءهای ۱۵ تا ۲۰ قرآن کریم به کار بسته شد که ذیلاً مورد اشاره و تحلیل قرار می‌گیرد.

ترجمه‌ی تأویلی تمییز

نحویان برخی از مصادیق تمییز نسبت را به یکی از سه وجه، فاعل، مفعول به و مبتدأ قابل تأویل و نقل می‌دانند و آن را «تمییز محول» می‌نامند. (غلابینی، ۱۳۶۲: ۱۱۱/۳) بدین صورت که واژه‌ای که به‌عنوان تمییز منصوب است با تغییر جزئی ساختار به فاعل یا مفعول به یا مبتدأ تبدیل می‌شود. شایان ذکر است این سازه نحوی مختص زبان عربی است و در زبان فارسی وجود ندارد لیکن وقتی به‌صورت تأویلی بازنویسی می‌شود، با زبان فارسی قابل معادل‌سازی است. از این رو خرمشاهی همانند اغلب مترجمان، گزاره‌های در بردارنده‌ی نقش تمییز را در شکل محول و تأویلی آن ترجمه نموده است. به‌عنوان نمونه وی در ترجمه بخش پایانی آیه ۲۱ از سوره اسراء «وَلَلْآخِرَةُ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا» نقش «درجات» و «تفضیلاً» را از تمییز به مبتدأ تبدیل کرده، به‌صورت زیر به زبان فارسی ترجمه نمود: «درجات آخرت بزرگتر و برتر است.»

همچنین ایشان در ترجمه گزاره‌ی «كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ» آیه‌ی پنجم از سوره‌ی کهف، نقش «کلمه» را از تمییز به فاعل تغییر داده، به‌صورت زیر ترجمه نموده است: «ناپسند است سخنی که از دهانشان برمی‌آید.»

ترجمه مفعول مطلق در قالب قید

ساخت نحوی مفعول مطلق در زبان عربی از جمله نقش‌هایی است که ساخت مشابهی در زبان فارسی ندارد از این رو در فرایند ترجمه نیازمند ساختاری معادل در زبان فارسی است. این حالت نحوی به‌ویژه پس از نفوذ زبان عربی در زبان و ادبیات فارسی، وارد ساختار نحوی زبان فارسی دری شد و به‌صورت ساختاری مشابه و نه معادل - به‌خصوص در شعر فارسی - به کار رفت. در دستور زبان فارسی ساخت دستوری قید به چهار شکل: قید تأکید، قید تشبیه، قید مقدار و قید نفی برای معادل‌سازی مفعول مطلق پیشنهاد شده است. (قلی‌زاده، ۱۳۷۹: ۹۳) خرمشاهی در ترجمه جزء‌های مورد بحث از قرآن کریم غالباً از «قید تأکید» و گاه نیز از «قید مقدار» و قید نفی برای ترجمه مفعول مطلق استفاده نموده است. اینک چند نمونه از ترجمه‌ی مفعول مطلق به‌وسیله‌ی «قید تأکید» و «قید مقدار» در ترجمه وی ارائه می‌شود:

لِيَتَّبِعُوا مَا عَلُوا تَتَّبِعُوا: (۷ اسراء) ترجمه: و به هر چه دست به کلی نابود کنند.

فَضَلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا: (۷ اسراء) ترجمه: و آنان را بر بسیاری از آنچه آفریده‌ایم چنانکه باید و شاید برتری بخشیدیم.

وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا: (۱۹ اسراء) ترجمه: و چنانکه که باید در راه آن بکوشد.

وَكُلُّ شَيْءٍ فَضَلْنَاهُ تَفْصِيلاً: (۱۲ اسراء) ترجمه: و هر چیز را به خوبی روشن ساختیم.

سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُونَ عَلُوا كَبِيرًا: (۴۳ اسراء) ترجمه: او از آنچه می‌گویند بسی

منزه و فراتر است.

وَلَا تَبَدَّرَ تَبَدُّيراً: (۲۶ اسراء) ترجمه: و هیچگونه تبدیری پیشه مکن.

ترجمه اسم فاعل در قالب فعل مضارع و ماضی

یکی دیگر از مصادیق تغییر نحو، تبدیل اسم فاعل در فرایند ترجمه به فعل مضارع و ماضی است که به‌صورت معتنی به در ترجمه خرمشاهی از جمله در محدوده‌ی جزء‌های مورد پژوهش به کار رفته است. اکنون چند نمونه از تکنیک یاد شده ارائه می‌گردد.

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ عَلَى آثَارِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا: (۶ کهف)

۱- ترجمه: و چه بسا تو جان خود را در کار و بار ایشان از شدت تأسف می‌فرسای که چرا به این سخن ایمان نمی‌آورند.

أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي: (۴۶ مریم) ترجمه: آیا از خدایان من روی بر می‌تابی؟

۲- أَلَا إِنَّا لَمَبْعُوثُونَ: (۸۲ مؤمنون) ترجمه: آیا از نو برانگیخته می‌شویم؟

۳- مُتَكَبِّينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ: (۳۱ کهف) ترجمه: و در آنجا بر تخت‌ها تکیه زنند.

۴- و إِنَّهُمْ لَنَا لِعَائِلُونَ: (۵۵ شعراء) ترجمه: و ایشان ما را به خشم آورده‌اند.

تبدیل موصول وصله به اسم فاعل

این تکنیک در ترجمه‌ی خرمشاهی فراوان یافت می‌شود. وی در گفتار مترجم که پیوست ترجمه ایشان می‌باشد نیز به عنوان پرهیز از جمود لفظی به این مطلب یعنی تبدیل عبارات وصفی که با الذین آغاز می‌شود به اسم فاعل، اشاره نموده است (خرمشاهی، ۱۳۷۴: ۶۳۵) اینک چند نمونه از این روش در ترجمه خرمشاهی ارائه می‌گردد.

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا (۱۰ اسراء)

ترجمه: و اینکه برای بی‌ایمانان به آخرت عذابی دردناک آماده ساخته‌ایم.

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةَ قُلُوبُهُمْ (۵۳ حج)

ترجمه: تا (بدین وسیله) خداوند القای شیطان را مایه آزمون بیمار دلان و سخت‌دلان بگرداند.

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ (۵۴ حج)

ترجمه: و تا دانش‌یافتگان (راستین) بدانند که آن حق و از سوی پروردگار توست.

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيَةٍ مِنْهُ (۵۵ حج)

ترجمه: و کافران همچنان از آن در شک هستند.

تبدیل فعل به اسم یا گروه اسمی

این تکنیک که از آن به اسمی شدن هم نام می‌برند، در ترجمه‌ی خرمشاهی به کار رفته است. موارد ذیل مصادیق این تکنیک در محدوده‌ی مورد پژوهش در این مقاله می‌باشد.

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ (۱۲۸ شعراء)

ترجمه: آیا در هر بلندی بنایی از سرباز یچه می‌سازید.

وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ (۱۱۴ طه)

ترجمه: و در (بازخوانی) قرآن پیش از به پایان رسیدن وحی آن شتاب مسکن.

وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى (۱۲۹ طه)

ترجمه: و اگر کلمه (وعده) پیشین پروردگارت و اجل معینی در کار نبود، آن عذاب (هم اکنون) لازم می‌شد.

وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ (۱۰۲ ابیبتاء)

ترجمه: و ایشان در (بهشت) دلخواهشان جاویدانند

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ (۹۹ طه)

ترجمه: بدینسان بر تو از اخبار گذشته می‌خوانیم.

تبدیل جمله به مفرد

یکی از مصادیق تغییر نحو، تبدیل جمله به مفرد است. خرمشاهی در ترجمه‌ی خود از این تکنیک نیز به صورتی اندک بهره‌جسته است. به عنوان نمونه وی در آیه ۵۴ از سوره‌ی نمل جمله‌ی حالیه «و انتم تبصرون» را به دیده و دانسته و نیز در آیه ۱۰۴ از سوره کهف جمله‌ی «أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا» را به «نیکوکارند» ترجمه نموده است.

تغییر مقوله (دگربینی، تغییر دیدگاه) و مصادیق آن

تکنیک تغییر مقوله یا زاویه دید که براساس آن مفهومی در زبان مبدأ به بیانی دیگر در زبان مقصد تغییر می‌شود، در نظریه‌ی گارسس، راهبردی مثبت و افزایشی است وی این روش را از نظریه‌ی «وینی و دارلند» وام گرفته و در نظریه‌ی ترکیبی خود به کار برده است. این شگرد در جایی به کار می‌رود که زبان مقصد ترجمه‌ی تحت الفظی را بر نمی‌تابد (نیومارک، ۱۹۸۸: ۸۸) وینی دارلند و وازکه ایورا بیش از ده مورد تغییر دیدگاه را بر شمرده‌اند از جمله‌ی آن موارد عبارت است از: بیان اسم ذات به جای اسم معنی، بیان وسیله به جای نتیجه، بیان از طریق یک حس به جای حس دیگر، بیان عبارت دو بار منفی با عبارت مثبت و بر عکس، بیان عبارت دوبار منفی با عبارت مثبت و بر عکس، بیان معلول به جای علت و برعکس، تغییر فعل در زمان‌های مختلف، تغییر جملات خبری به استفهامی یا تعجبی و برعکس. ناظمیان در این باره می‌گویند وقتی رویه‌های مستقیم ترجمه باعث شکل‌گیری عبارت درست اما غیر مطلوب و غیر طبیعی یا عجیب می‌شود می‌توان از تغییر مقوله استفاده نمود. (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۸۱).

«جرمی ماندی» علاقه‌های گوناگون مجاز مرسل را نیز در امر ترجمه در شمار تغییر مقوله قرار می‌دهد (ماندی، ۱۳۸۴: ۷۱) بنابراین اگر مترجم در ترجمه‌ی گزاره‌ی «وَأَسْأَلُ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا» (یوسف، ۸۱) که واژه قریه در آن مجاز مرسل به علاقه محلیه می‌باشد، به جای محلّ یعنی مصر، حالّ یعنی مردم مصر را به کار ببرد، از تکنیک تغییر مقوله استفاده نموده است. یکی از مصادیق تغییر مقوله که در ترجمه خرمشاهی بیشترین کار کرد را دارد تبدیل مجهول به معلوم است. وی در محدوده‌ی جزءهای ۱۵ تا ۲۰ از قران کریم نزدیک به بیست بار از این روش در ترجمه بهره‌جسته است اکنون چند نمونه از کار بست تکنیک تغییر مقوله از طریق تبدیل فعل مجهول به معلوم در ترجمه وی ذکر می‌گردد.

وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (۸۵ اسراء) ترجمه: و شما را از علم جز اندکی نداده‌اند.

۵- وَعَرَضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفًّا (۴۸ کهف) ترجمه: و آنان را بر پروردگارت به صف عرضه دارند.

۶- وَلْتُنْصَعْ عَلَيَّ عَيْنِي (۳۹ طه) ترجمه: تا زیر نظر من بار آیی

۷- وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ (۴۰ انبیاء) ترجمه: و به آنان مهلتی هم ندهند.

قَدْ وَعَدْنَا هَذَا نَحْنُ وَءَابَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ (۸۳ مومنون)

ترجمه: به راستی که به ما و پدرانمان پیشترها چنین وعده‌ای داده‌اند.

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا (۷۳ فرقان)

ترجمه: و کسانی که چون آیات پروردگارشان را فریادشان دهند هنگام شنیدن آن ناشنوا

وار و نابیناوار به سجده درنیابند.

همانگونه که پیدا است در ترجمه‌ی تمامی آیات یاد شده، افعال مجهول به صورت معلوم ترجمه شده است. شایان گفتن است تبدیل فعل مجهول به فعل معلوم نیز در فرایند ترجمه، تغییر مقوله به شمار می‌آید؛ لیکن در ترجمه خرمشاهی به ندرت دیده می‌شود. از این رو در تمام پنج جزء مورد پژوهش تنها یک بار فعل معلوم به صورت مجهول ترجمه شده است وی فعل «أوحى» را در گزاره‌ی «ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ» آیه‌ی ۳۹ از سوره‌ی اسراء که فعلی معلوم است و به فاعل یعنی «رَبُّكَ» اسناد داده شد، به صورت مجهول ترجمه نموده است. «این از آن حکمت- هاست که از سوی پروردگارت بر تو وحی شده است».

تغییر در کاربرد صنایع بلاغی

صنایع بلاغی و ادبی به ویژه تصویرهای تشبیهی، استعاری و کنایه‌ی در هر متنی برجسته‌ترین مولفه‌های شکوه و تاثیر آن متن بر مخاطب است. حال اگر ترجمه را بازآفرینی هنرمندانه و خلاقانه‌ی یک متن بدانیم، به اهمیت و حساسیت این تکنیک در ترجمه‌ی قرآن کریم پی می‌بریم زیرا آموزه- های وحیانی در قرآن کریم، اسلوب و قالب هنری دارد. از این رو متکلمان و قرآن پژوهان یکی از وجوه اعجاز قرآن کریم را اعجاز لفظی آن دانسته‌اند (رمانی، بی‌تا: ۳۳/۱).

به اقتضای این وجه از اعجاز که «میرداماد» در قبسات از آن به اعجاز قولی یاد می‌کند قرآن کریم به عنوان سر سلسله‌ی معجزات قولی ترکیبی از حکمت و بلاغت است (میرداماد، بی‌تا: ۳۲۱) دو ویژگی یاد شده مکمل یکدیگر بوده و از هم تفکیک ناپذیرند. از این رو بانظر به الگوی گارسس، عملکرد مترجم در حفظ یا تغییر صنایع بلاغی قرآن کریم در فرایند ترجمه، بسیار مهم است. اکنون مصادیق حفظ و تغییر صنایع بلاغی در ترجمه‌ی خرمشاهی از جزء‌های مورد پژوهش، ارائه و تحلیل می‌گردد. جستجو در محدوده‌ی مورد پژوهش نشان می‌دهد که خرمشاهی در مجموع سه شیوه را در ترجمه‌ی گزاره‌های در بردارنده‌ی صنایع بلاغی به کار برده است.

تغییر صنایع بلاغی در قالب ترجمه‌ی مفهومی

خرمشاهی گاه ترجمه‌ای مفهومی از صنایع بلاغی موجود در آیه را ترجیح می‌دهد؛ البته این روش از نظر گارسس منفی ارزیابی می‌شود. (نیازی و قاسمی، ۱۳۹۸: ۱۴۳) به عنوان نمونه وی بخش پایانی آیه ۴ از سوره‌ی حج «و یهدیه الی عذاب السعیر». که فعل «یهدیه» در آن مفید استعاره‌ی تهکمیه می‌باشد (زمخشری، ۱۴۲۵: ۱۸۵/۲) را بر صورت مفهومی ترجمه نموده و استعاره را به زبان مقصد منتقل نکرده است. ترجمه وی چنین است: «... و به عذاب جهنم می‌کشاند».

تغییر صنایع بلاغی در قالب ابداع صنایع معادل

خرمشاهی گاه برای صنایع بلاغی موجود در متن مبدأ، معادلی متناسب با زبان مقصد بر می‌گزیند. به عنوان نمونه وی برای آیه‌ی کریمه‌ی «و اشتعل الرأس شیباً» (۳ مریم) که در بردارنده‌ی استعاره مکنیه، و مفید معنای پیری است، معادلی متناسب با عرف فارسی زبانان و تلقی آنان از پیری بر می‌گزیند. و آیه را چنین ترجمه می‌کند: «برف پیری بر سرم نشسته است» شایان ذکر است این ترجمه از آیه‌ی مورد بحث مختص ایشان است و در هیچیک از ترجمه‌های قران کریم دیده نمی‌شود.

حفظ صنایع بلاغی (عدم تغییر)

شیوه‌ی سوم از عملکرد خرمشاهی در ترجمه‌ی صنایع بلاغی حفظ صنایع بلاغی است. وی در این شیوه هیچگونه تغییری در صنایع بلاغی موجود در آیه اعمال نمی‌کند به‌عنوان نمونه در ترجمه‌ی آیه‌ی «واخفض لهما جناح الذل من الرحمه» (۲۴ اسراء) که در بردارنده‌ی استعاره‌ی مکنیه می‌باشد، هیچگونه تغییری ایجاد نکرده بلکه آن را به متن مقصد منتقل نمود. ترجمه وی چنین است «و بر آنان بال فروتنی مهر آمیز بگستر».

تغییر ساختار درونی متن مبدأ

یکی دیگر از مصادیق تغییر در الگوی گارسس، تغییر ساختار درونی متن مبدأ است. شهریار نیازی در تبیین دیدگاه گارسس در این باره می‌گوید: «تعدیل، تقلیل یا حذف و افزایش تاکیدها و تغییر علائم متن به صورتی که در معنا تاثیرگذار باشد ممکن است ساختار درونی متن اصلی را تغییر دهد». (نیازی و قاسمی اصل ۱۳۹۸: ۱۳۶). تکنیک فوق از نظر الگوی ارزیابی گارسس ارزش منفی دارد. اکنون چند نمونه از کاربرست «تغییر ساختار درونی متن مبدأ» در ترجمه‌ی خرمشاهی از جزءهای ۱۵ تا ۲۰ می‌گردد.

حذف ادات تاکید در ترجمه

وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا (۴ اسراء).
ترجمه: و بر بنی اسرائیل در کتاب آسمانی مقرر داشتیم که در این سرزمین دو بار فتنه و فساد و سرکشی بی‌اندازه خواهید کرد (حذف لام و نون تأکید).

حذف مفهوم تفضیل در ترجمه

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا (۷۲ اسراء).
ترجمه: و هر کس در اینجا کوردل باشد همو در آخرت هم کوردل و گمراه است.

حذف مفعول مطلق در ترجمه

ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا (۹۷ طه)
ترجمه: سپس آن را بر دریا می‌افشانیم.

تبدیل اذا فجائیه به اذا ظرفیه

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ (۷۷ مومنون)
ترجمه: تا آنکه بر آنان دری از عذاب سخت گشودیم **آنگاه بود** که نومید شدند.

تبدیل ظرف به حرف اضافه

فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ (۱۷ مومنون). ترجمه: جز این نیست که حسابش با پروردگارش است.

تغییر جمله

پنجمین مصداق از مصادیق تغییر در الگوی گارسس تغییر جمله می‌باشد نوع جمله ممکن است در ترجمه از ساده به مرکب، از خبری به انشائی و بالعکس و اشکال دیگر تغییر کند این تکنیک در الگوی یاد شده، خنثی به شمار می‌رود اینک چند نمونه از تغییر جمله در ترجمه‌ی خرمشاهی (جزء‌های ۱۵ تا ۲۰) ارائه می‌گردد.

تغییر جمله‌ی اسمیه به جمله‌ی فعلیه

وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ... (۱۵ اسراء)

ترجمه: و ما عذابی در کار نمی‌آوریم

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ (۷۵ مریم)

ترجمه: بگو هر کس که ضلالت را برگزیند.

تغییر جمله‌ی حالیه به جمله‌ی معطوف

... فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ (۲۷ مریم) ترجمه: سپس او (عیسی) را برداشت و به نزد قومش آورد.
يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ (۲۰ انبیاء) ترجمه: شب و روز نیایش می‌کنند و سستی نمی‌-
رزند.

شایان گفتن است، تغییر جمله می‌تواند اشکال دیگری نیز داشته باشد، لیکن در محدوده‌ی مورد پژوهش نوع دیگری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری

ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم یکی از فعالیت‌های ادبی فاخر در قلمرو قرآن پژوهی است که در ارتقاء کیفی ترجمه‌ی کلام خداوند تاثیر تعیین کننده‌ای دارد. این کوشش علمی در آغاز بر پایه‌ی ذوق شخصی شکل گرفت لیکن با راهیابی مطالعات ترجمه به حیطة‌ی ترجمه‌ی قرآن کریم و آشنایی ترجمه پژوهان با نظریه‌ها و مکاتب ترجمه، رو به روش‌مندی نهاده است. الگوی گارسس از جمله نظریه‌های ارزیابی ترجمه است که به دلیل کارآمدی در سال‌های اخیر، مورد اقبال ترجمه پژوهان به ویژه در نقد و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم قرار گرفته است. پژوهش حاضر ترجمه‌ی قرآن کریم اثر بهاء الدین خرمشاهی را به صورت موردی (جزء‌های ۱۵ تا ۲۰) بر پایه‌ی تکنیک تغییر که در سطوح چهارگانه‌ی الگوی گارسس کار کرد فراگیر دارد، مورد ارزیابی قرارداده است. پژوهشگر در فرایند تحقیق به نتایج زیر دست یافته است:

۱- تغییر نحو در ترجمه خرمشاهی (در محدوده‌ی پژوهش) بیشترین مصادیق و تغییر جمله کمترین مصداق را داشته است.

۲- خرمشاهی در مواجهه با صنایع بلاغی به ویژه استعاره، یکسان عمل ننموده وی برخی از استعاره‌ها را به صورت مفهومی ترجمه نموده و برخی دیگر را در قالب استعاره‌ی معادل به زبان فارسی برگرداند و دسته‌ای دیگر را نیز با حفظ صنایع بلاغی یعنی بدون تغییر به فارسی ترجمه کرد.

۳- تغییر ساختار درونی متن مبدأ در ترجمه خرمشاهی به دلیل حذف تاکیده‌ها ارزش منفی دارد

منابع

الرمانی، ابوالحسن علی بن عیسی. (۱۴۱۳)، النکت فی اعجاز القرآن. تحقیق محمد خلف الله و محمد زغلول سلام. مصر: دارالمعارف.

العزب، محمود. (۲۰۰۶)، اشکالیات ترجمه معانی القرآن. قاهره: نهضة مصر.

- حسّان، تمّام. (۱۹۹۳)، *البیان فی روائع القرآن*. قاهره: عالم الکتب.
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۶)، *ترجمه قرآن کریم، توضیحات*. تهران: انتشارات جامی.
- خزاعی فر، علی. (۱۳۸۶)، *کاهش و افزایش در ترجمه مجملات و متشابهات قرآن*. نامه فرهنگستان. سال ۲. شماره ۳۴.
- زمحشری، جارالله محمودین عمر. (۱۴۲۵)، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. مصر: دارالمعارف.
- سعیدیان، اسماعیل. (۱۳۸۷)، *اصول و روش کاربردی ترجمه*. تهران: نشر راهنما.
- صلح‌جو، علی. (۱۳۸۵)، *گفتمان و ترجمه*. تهران: نشر مرکز.
- صیادانی، علی و همکاران. (۱۳۹۶) *نقد و بررسی رمان قلب‌اللیل، براساس مدل گارسس*. دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال هفتم شماره ۱۶.
- غلابینی، الشیخ مصطفی. (۱۳۶۲)، *جامع الدروس العربیه*. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- فرحزاده، فرزانه. (۱۳۹۴)، *فرهنگ مطالعات ترجمه*. تهران: انتشارات علمی.
- قلی‌زاده، حیدر. (۱۳۷۹)، *مفعول مطلق و معادای ساختاری آن، (براساس ساختار زبانی قرآن کریم*. بینات: سال هفتم، شماره ۲۶.
- موندی، جرمی. (۱۳۸۹)، *درآمدی بر مطالعات ترجمه، نظریه‌ها و کاربردها*. ترجمه: ستوده‌نیا، الهه و حق‌بین، فریده، تهران: نشر علم.
- میرداماد، محمد بن محمد. (۱۳۶۷)، *القبسات*، به اهتمام دکتر مهدی محقق و همکاران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ناظمیان، رضا. (۱۳۸۱)، *روش‌هایی در ترجمه از عربی به فارسی*. تهران: سمت.
- ندا، طه. (۱۳۸۳)، *ادبیات تطبیقی، ترجمه هادی نظری منظم*. تهران: نشر نی.
- نیازی، شهریار و قاسمی اصل، زینب. (۱۳۹۸)، *الگوهای ارزیابی ترجمه (با تکیه بر زبان عربی)*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

New market, Peter, (1988). **a text book of translation**, new york: Prentice hall.

Graces, C.V(1994). **A methodological proposal for the assessment of translated liter any works babel**.40,77-101.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: اوسط خانجانی علی، کاربرد تکنیک تغییر در ترجمه‌ی قرآن کریم اثر بهاء‌الدین خرمشاهی براساس مدل گارسس (بررسی موردی از جزء ۱۵ تا ۲۰)، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۲۲۴-۲۰۹.